

نقش حاکمیت شرکتی بر سلامت و فساد مالی بانکها

مهدی هنرمند^۱، سحرگرایلو^۲

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد قاینات، کارشناس بانک سینا

^۲ کارشناس ارشد حسابداری

Mehdihonarmand421@gmail.com

چکیده

ایجاد ثبات و سلامت در نظام بانکی در گروی استقرار امن پولی و مالی است که یکی از الزامات آن استقرار حاکمیت شرکتی است. استقرار حاکمیت شرکتی می تواند یکی از عوامل اصلی ایجاد و تقویت سلامت در نظام بانکی باشد. این مقاله با استناد از روش کتابخانه ای و اسنادی به بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر سلامت نظام بانکی است. در این مقاله بعد از طبقه بندی و دسته بندی فساد مالی، علل و عوامل اصلی بروز فساد مالی بررسی می شود. عواملی چون عوامل اداری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قوانین و مقررات دولتی، مالیاتها و عوارض گمرکی دولتی و رفتار مسئولان، عرضه کالاها و خدمات یارانه ای، سیستم تنبیه و مجازات می باشد. در پایان این مقاله به بررسی رشوه و رشوه خواری و تاثیر حاکمیت شرکتی بر رفع آن پرداخته می شود.

کلمات کلیدی

نظام بانکی، حاکمیت شرکتی، شفافیت، سلامت مالی، فساد مالی

مقدمه

موضوع حاکمیت شرکتی، حاصل مطالعات و بررسی‌هایی است که در کشورهای مختلف دنیا انجام شده و سابقه مشخص آن به دهه ۱۹۹۰ میلادی برمی‌گردد. رسوایی‌های مالی در شرکت انرون، ورلد کام، آجیب، سیکو، زیراکس و چند شرکت دیگر، کنگره آمریکا را بر آن داشت تا کمیته تخصصی را مأمور بررسی راهکارهایی برای مقابله با فساد و تقلب کند. این کمیته با همکاری سازمان حسابداری دولتی، انجمن حسابداران رسمی آمریکا و کمیسیون بورس اوراق بهادار لایحه‌ای را تدوین نمودند که به قانون "ساربنز-اکسلی" .. "شهرت یافت. (اندرسون، ۲۰۰۷)

حاکمیت شرکتی پس از بروز بحران مالی در روسیه آسیا و امریکای لاتین به یکی از دغدغه‌های سیاست‌گذاران در خیلی از کشورهای در حال توسعه تبدیل شده است.

انحلال و سقوط کمپانی‌هایی مانند انرون نشان داد که حتی کشور های توسعه یافته و صنعتی همچون ایالات متحده نیز از نتایج فاجعه بار نظام حاکمیت شرکتی مناسب مصون نیست.

مطالعات نشان داده است که استاندارد های پایین حاکمیت شرکتی هزینه سرمایه را افزایش داده، کارایی صنایع را کاهش میدهد و همچنین موجب اختلال در سرمایه‌گذاری می‌شود. (حسن زاده و دیگران، ۱۳۹۳)

حاکمیت مالی ضعیف موجب ضعف شدن سلامت مالی در کشور و بروز فساد مالی میشود. این دلیلی است که سیاست‌گذاران در اقصی نقاط جهان برای اهمیت دادن به حاکمیت شرکتی بیان میکنند.

در بررسی فساد مالی باید به این امر توجه داشت که دو بخش عرضه و تقاضا وجود دارد. تقاضای فساد معمولاً از سوی مدیران و به طور کلی افرادی است که از قدرت خود برای منافع شخصی استفاده میکنند، در حالیکه بخش عرضه فساد آن بخشی است که برای رسیدن به مقاصد خود به افراد و مدیران دولتی و شرکتهای رشوه پرداخت کرده یا امتیازات خاصی قایل می‌شوند. قواعد حاکمیت شرکتی مانند پاسخگویی، شفافیت و انصاف می‌تواند تاثیر عمیقی بر انگیزه‌ها و محدودیت‌های طرفین درگیر در یک فساد مالی داشته باشد.

رابطه بین حاکمیت شرکتی و فساد اهمیت بسیاری در کشورهای در حال توسعه دارد. برای مثال، بسیاری از کشورهای در حال توسعه شکل‌های مختلف اصلاحات بازار گرا را برای مدرن سازی اقتصادشان شروع کرده‌اند و خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی اغلب محور چنین اصلاحاتی بوده است. گرچه خصوصی‌سازی چالش‌های خاصی را برای هر دو حاکمیت بخش خصوصی و حاکمیت شرکتی در کشورهای در حال توسعه به وجود می‌آورد.

در برخی از تحولات اقتصادی، حاکمیت ضعیف شرکت‌ها به مقام‌های فاسد امکان غارت و چپاول کشورهای فقیر را در طول مدت خصوصی‌سازی می‌دهد.

جهانی شدن نیز فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای اصلاح حاکمیت شرکتی در کشورهای در حال توسعه ایجاد می‌کند. از طرف دیگر باعث افزایش سرعت همگرایی این حاکمیت با استانداردهای بین‌المللی می‌شود و همچنین می‌تواند رقابت شمار زیادی از شرکت‌های داخلی بی‌کفایت را بالا ببرد. بنابراین به دلیل فشار زیاد جهت بقاء به سوی رشوه روی می‌آورند. بعلاوه، با توجه به اینکه شرکت‌های چند ملیتی به طور یقین، قادر به تأثیرگذاری بسزایی در رشد و توسعه محیط شغلی جهانی هستند، نقش آن‌ها در مبارزه با فساد نباید نادیده گرفته شود. برخی از آخرین رسوایی‌های بزرگ رشوه‌خواری توسط شرکت‌های چند ملیتی (مثل رزوکس در هند، IBM در آژانتین و سیمن در سنگاپور) نشان داده که رشوه توسط بعضی از این شرکت‌ها به عنوان استراتژی بازاریابی به منظور نفوذ در بازارهای در حال ظهور مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر اساس شاخص شفاف

رشوه‌دهندگان بین‌المللی، شرکت‌هایی که از کشورهای اصلی صادر کننده در جهان هستند، به احتمال بیشتری در میان رشوه‌دهندگان کشورهای خارجی قرار می‌گیرند تا بیش از رقبای خود از امتیازات غیرمنصفانه برخوردار شوند (شفافیت بین‌الملل). بنابراین، در دوره جهانی شدن، حاکمیت به شرکت‌ها موجب تسهیل شیوه‌های صادرات رشوه در آن سوی مرزها و در نهایت تضعیف تأثیرگذاری مبارزات جهانی ضد فساد می‌شود.

اهمیت به یک رویکرد متعادل در برابر فساد، رابطه ملموس دیگری بین حاکمیت شرکت‌ها و فساد است. با اینکه مطالعات تجربی بر دلایل فساد به طور چشمگیری فهم ما را از طرف تقاضای فساد بالا برده است (شامل انگیزه‌ها و محدودیت‌ها در برابر مقام‌های دولتی برای اقدامات فاسد) اما سؤالات اولیه در رابطه با طرف عرضه فساد هنوز بدون پاسخ مانده است.

در این مقاله نخست به بررسی مفهوم حاکمیت شرکتی، سلامت و فساد مالی پرداخته و نهایتاً تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش فساد مالی و ارتقای سلامت مالی را بررسی می‌کنیم.

مفهوم حاکمیت شرکتی

در متون نظری هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد، اما این مفهوم در دهه ۱۹۹۰ میلادی وارد متون اقتصادی و مدیریتی جهان شد. در تعریف این اصطلاح در کشورهای مختلف، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. حتی در یک کشور، مثل آمریکا یا انگلستان نیز رسیدن به تعریف واحد کار چندان آسانی نیست. بنابراین، تعاریف ارائه شده برای حاکمیت شرکتی متنوع است.

اصلی‌ترین عامل متمایزکننده این تعاریف را می‌توان پهنه یا گستره حاکمیت شرکتی دانست. از یک منظر می‌توان این نظام را رابطه مدیران با سهامداران دانست (نگرش محدود) و در آن سوی طیف، حاکمیت شرکتی رابطه شرکت با تمام ذی‌نفعان خود را در برمی‌گیرد (نگرش وسیع). تعاریف و نگرش‌های دیگر به حاکمیت شرکتی، داخل طیفی که نگاه حداقلی و حداکثری آن تبیین شد، قرار می‌گیرد. برخی از تعاریف ارائه شده در ارتباط با حاکمیت شرکتی و سطح اجماع در خصوص آن به شرح زیر آمده است:

تعاریف حاکمیت شرکتی

رتبه تعریف حاکمیت شرکتی سطح اجماع

۱. فرآیند نظارت و کنترل به منظور حصول اطمینان از اینکه مدیریت شرکت در راستای منافع سهامداران فعالیت می‌کند (پارکینسون^۱، ۱۹۹۴). کاملاً موافق

۲. نقش حاکمیتی منحصر به فعالیت‌های تجاری شرکت نیست، بلکه با هدایت کل واحد تجاری، نظارت و کنترل اقدامات اجرایی مدیران و پاسخگویی آنها به تمام ذی‌نفعان سر و کار دارد (تری کر، ۱۹۸۴). خیلی موافق

۳. حاکمیت یک واحد تجاری عبارت است از مجموع فعالیت‌هایی که موجب می‌شود مقررات داخلی واحد تجاری با تعهدات شرکت از جمله امانت‌داری و مدیریت بهینه‌داری‌ها منطبق باشد (کانون، ۱۹۹۴). موافق

۴. رابطه بین سهامداران و شرکت‌شان و روشی که سهامداران به کمک آن مدیران را به بهترین عملکرد تشویق می‌کنند (کتابچه حاکمیت شرکتی بریتانیا، ۱۹۹۶). تا حدودی موافق

¹ Parkinson

۵. ساختارها، فرآیندها، فرهنگ ها و سیستم هایی که موجب توفیق عملیات شرکت می شود (کیزی و رایت . ۱۹۹۳).
تأخوردی موافق

۶. سیستمی که شرکت ها برحسب آن کنترل و هدایت می شود (گزارش کادبری. ۱۹۹۴). کمی موافق

در کل ، حاکمیت شرکتی ، مجموعه ای از فرآیندها، عرف ها، سیاست ها، دستورالعمل ها و قوانین و مقرراتی است که با استفاده از سازوکارهای درون سازمانی و برون سازمانی ، نحوه هدایت ، مدیریت و کنترل شرکت را تحت تأثیر قرار می دهد. حاکمیت شرکتی همچنین شامل ارتباطات میان ذی نفعان شرکت و اهدافی است که شرکت برای دستیابی به آنها فعالیت می کند.

با توجه به تعاریف موجود، در حاکمیت شرکتی دو دسته از سازوکارهای درون سازمانی و برون سازمانی وجود دارد:

الف (سازوکارهای برون سازمانی (محیطی))

- نظارت قانونی : تدوین ، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب
- نظام حقوقی : برقراری نظام حقوقی مناسب
- کارایی بازار سرمایه : گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن
- نظارت سهامداران عمده : ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیت هایی از قبیل خرید سهام کنترلی
- نقش سرمایه گذاران نهادی : تشویق و گسترش سرمایه گذاری نهادی
- نظارت سهامداران اقلیت : احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجازبودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت
- الزامی کردن حسابرسی مستقل : نقش برجسته حسابرسی مستقل در نظارت ، O فعالیت مؤسسات رتبه بندی : ایجاد تسهیلات برای فعالیت مؤسسات رتبه بندی .

ب (سازوکارهای درون سازمانی (محاطی))

- هیأت مدیره : انتخاب و استقرار هیأت مدیره توانمند، خوشنام و بی طرف ،
- مدیریت اجرایی : تقسیم مسئولیت ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم افزارهای مناسب
- مدیریت غیراجرایی : ایجاد کمیته های هیأت مدیره از مدیران مستقل و غیراجرایی (کمیته حسابرسی ، حقوقی و...)
- کنترل های داخلی : طراحی ، تدوین و استقرار کنترل های داخلی مناسب (مالی ، حقوقی ، ریسک ، حسابرسی داخلی و...)
- اخلاق سازمانی : تدوین و گسترش آیین رفتار حرفه ای و اخلاق سازمانی .

سلامت و فساد مالی:

سوء استفاده و شرایط آن در کشورهای مختلف فرق می کند. فساد امری نسبی و مرتبط با نظام ارزش های یک جامعه است و بیش از بخش خصوصی، در دستگاه دولتی مطرح است. فساد مالی را نباید فقط نتیجه پرداخت رشوه به حساب آورد. برای مثال، کارمندی که وانمود می کند بیمار است ولی به تعطیلات می رود یا رئیس جمهوری که فرودگاهی را در زادگاه کوچک خود می سازد. هر دو نوعی فساد مالی مرتکب شده اند، هر چند که در این موارد رشوه ای رد و بدل نشده است.

کلمه فساد از ریشه لاتینی (Rumpere) به معنای شکستن یا نقض کردن است و آنچه که شکسته یا نقض می شود می تواند یک شیوه رفتار اخلاقی یا اجتماعی و یا مقررات اداری باشد. در لغت فارسی برای فساد معانی مختلفی مانند: تباهی،

گزند، زیان، ظلم و ستم، شرارت و بدکاری، عمل ناشایست و زشت، فسق و فجور، دشمنی و کینه و آشوب ذکر شده است. به عقیده ماکیا ولی، فساد جریانی است که طی آن موازین اخلاقی افراد سست و فضیلت و تقوای آن‌ها به نابودی کشیده می‌شود و با توجه به اینکه بیشتر افراد از نظر درجه تقوی و پرهیزکاری ضعیف هستند، زمینه فساد در آنها همواره وجود دارد؛ مگر زمانی که تحت هدایت و نفوذ یک رهبر بزرگ قرار گیرند. از دید منتسکیو، فساد یک سامانه سیاسی خوب و صحیح را به یک سامانه زشت و ناپسند تبدیل می‌کند. از نظر گونار و میردال، فساد معنای وسیع‌تری داشته و به تمام اشکال انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی اطلاق می‌شود. زاهدی در نوشته‌های خود فساد را نادرستی، تقلب و فقدان راستی و درستی بیان نموده است. دانشمندان دیگر فساد را از دیدگاه‌های اداری و مالی به شرح زیر تعریف کرده‌اند:

الف) فساد اداری

از نظر ساموئل هانتینگتون، فساد اداری عبارت است از رفتار کارکنان دولتی که برای منافع خصوصی خود ضوابط پذیرفته شده را زیر پا می‌گذارند و به اتخاذ تصمیم‌های اداری تحت تأثیر منافع شخصی و یا روابط و علایق خانوادگی و دلبستگی‌های اجتماعی آنان می‌پردازند.

از نظر ویتونانزی، فساد اداری عبارت است از استفاده غیرقانونی از اختیارات اداری و دولتی برای نفع شخصی.

نادر حبیبی، فساد اداری را اقدامات اشخاص شاغل دولتی برای دستیابی به منافع نقدی و غیرنقدی (مازاد بر حقوق و مزایای قانونی) برای خود، خویشاوندان و دوستان از راه نقض یا تغییر قوانین و مقررات عنوان نموده است. (حسن زاده و دیگران، ۱۳۹۳)

ب) فساد مالی

در ارتباط با فساد مالی، تعاریف مختلفی ارائه شده است. بهترین و ساده‌ترین تعریف برای فساد مالی «سوء استفاده از قدرت و اختیارات دولتی به منظور تأمین منافع شخصی» است که توسط بانک جهانی ارائه گردیده است.

تعریف دیگر مربوط است به مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی که در ارتباط با مبارزه با فساد از نظر نظام بیان شده است که در این تعریف «کلیه رفتارها و سوء رفتارهایی که موجب اختلال در نظم اقتصادی یا عملکرد بهینه مراکز اقتصادی در مقیاس‌های مختلف، از واحدهای کوچک گرفته تا اختلال در اقتصاد کشور می‌گردد» فساد مالی است.

از نظر ساموئل هانتینگتون، اگر قدرت سیاسی برای دستیابی به ثروت به کار رود، فساد مالی اتفاق می‌افتد.

هایدن هایمر، فساد را معامله‌ای بین بخش خصوصی و دولتی می‌داند که از آن طریق کالای عمومی به طور نامشروع به سودها و منافع خصوصی تبدیل می‌گردد.

نادر حبیبی، فساد مالی را اقدامات اشخاص شاغل دولتی برای دستیابی به منافع نقدی (مازاد بر حقوق و مزایای قانونی) برای خود، خویشاوندان و دوستان از راه نقض یا تغییر قوانین و مقررات عنوان نموده است.

به طور کلی هر نوع فساد که در چارچوب مالیه عمومی قرار گیرد، فساد مالی است. (حسن زاده و دیگران، ۱۳۹۳)

طبقه‌بندی فساد مالی:

هرچند به دلیل پراکندگی زمینه‌ها و گستردگی ابعاد مختلف فساد، ارائه طبقه‌بندی واحد و کامل از آن میسر نیست لیکن با بررسی روش‌های مختلفی که مجریان دولتی به وسیله آن در جهت تأمین منافع شخصی خود به تحریف مناسباتی که

به موجب قوانین و مقررات مؤلف به برقراری آن هستند می‌پردازند، می‌تواند انواع فساد مالی را در ۴ طبقه به شرح زیر جمع‌بندی کرد.

فساد هزینه‌گاه

در این گونه فسادها، مجریان دولتی در وضعیت معینی به کاستن از هزینه‌های عامل یا کارگزار و آوردن این هزینه‌ها به سطحی پایین‌تر از سطح مقرر آن می‌پردازند. برای مثال کاستن از تعهدات مالیاتی، وصول عوارض و حقوق دولتی کمتر از میزان واقعی و محاسبه و اخذ کارمزد ارائه خدمات و کالاها کمتر از میزان اصلی و ... نمونه‌ای از مراعات نکردن مقررات و فساد هزینه‌گاه است.

فساد هزینه افزا

زمینه‌سازی برای این گونه فسادها در سه حالت صورت می‌گیرد:

زمانی که برای کالاها و خدمات به طور رسمی قیمت ثابت تعیین می‌شود، تقاضای اضافی وجود خواهد داشت که در این حالت مطالبه قیمتی که با توجه به کشش بازار تعیین می‌شود این رانت ضمنی را به خوداختصاص می‌دهد.

زمانی که مجریان دولتی به اتکای اختیارات و کنترلی که در زمینه موافقت‌نامه‌ها، اجاره‌نامه‌ها و تعیین رویه‌های مربوطه دارند از نوعی قدرت انحصاری برخوردار شده و در جهت منافع خود سوءاستفاده می‌کنند. (بخشی از ما به ازای امتیازات را به نفع خود اخذ می‌نمایند).

امکان دیگری که برای افزایش هزینه‌ها وجود دارد مثل سوءاستفاده از قدرت قانونی.

فساد درآمد افزا

در این حالت، مجری دولتی در صدد است تا درآمد یا منافی را بیش از حد قانونی مقرر به کارگزار منتقل نماید مثل پرداخت اضافی به اتکای گواهی غیرواقعی که ممکن است از طریق تبانی با عامل یا جانبداری سیاسی و یا شریک شدن در منافع باشد.

فساد درآمد‌گاه

در این گونه موارد، مجریان دولتی مستقیماً منافی که برای عاملان در نظر گرفته شده را به خود اختصاص می‌دهند. (مثل به تعویق انداختن بعضی پرداخت‌های مربوط به اشخاص و یا دزدیدن از چیزهایی که مقرر است تحویل شود). این مورد زمانی اتفاق می‌افتد که عاملان از حقوق خودآگاهی کاملی ندارند.

تقسیم‌بندی مفاسد مالی

فساد سطح بالا و فساد سطح پایین

فساد مقام‌های عالی، رؤسای دولت‌ها، وزیران و کارمندان عالی‌رتبه دولتی را فساد سطح بالا یا فساد کلان و فساد کارمندان جزء و رده‌پایین دولتی را فساد سطح پایین یا فساد خرد می‌گویند. در مورد اول، خرید تعدادی نیروگاه با دستور مقام‌های عالی که در مدت کوتاهی مستهلک خواهد شد و با واگذار امتیازات و یا خرید هواپیماهای گران‌قیمت در مقابل اخذ پورسانت توسط مدیران عالی را می‌توان نام برد و در مورد اخیر می‌توان به پرداخت رشوه برای اخذ گواهی‌نامه رانندگی به یک کارمند راهنمایی و رانندگی اشاره کرد.

عاملان فساد کلان به تبع شرایط خود، سعی در تضعیف دستگاه‌های نظارتی و حسابرسی و همچنین دستگاه‌های قضایی و مدیران میانی می‌نمایند که برای جامعه بسیار زیانبار است. (حسن زاده و دیگران، ۱۳۹۳)

فساد تصادفی (اتفاقی) و فساد نظام‌مند (حاد)

اگر فساد در جامعه در درجه کمی شیوع یابد و احتمال کشف و مجازات و نابودی آن زیاد باشد، آن را فساد تصادفی (اتفاقی) و اگر فساد در جامعه زیاد و به صورت قاعده و نظام‌مند در آمده و اقشار زیادی را تحت پوشش قرار داده باشد به طوری که کشف و یا از بین بردن آن مشکل باشد، نظام‌مند (حاد) است این شکل از فساد بیشتر در کشورهای در حال توسعه قابل ملاحظه است. (بهرامی و دیگران، ۱۳۸۷)

فساد سازمان یافته و فساد آشفته

در فساد سازمان یافته سیاستمداران درصدد هستند که سهمی از عایدات حاصل از فساد را برای خود کسب نمایند. در این زمینه به صورت سیاستمداران و مقام‌های اجرایی دولتی بمانند فرصت‌هایی را برای تحصیل درآمدهای غیرقانونی ایجاد می‌نمایند تا مقام مربوطه بتواند به غارت خود ادامه داده و منافع آتی را به صورت شخصی (گروهی) تأمین نماید. در این گونه جوامع، سرمایه‌گذاران می‌دانند به چه کسی باید رشوه داده و چه چیزی را در قبال رشوه به دست آورند و مقام مسئول سهم کاملاً مشخصی را به دست می‌آورد.

در فساد سازمان نیافته (آشفته) سرمایه‌گذاران باید به چند مقام رسمی رشوه دهند و ضمانتی نیست که با تقاضای رشوه بیشتر روبه‌رو نشوند و مجوزهای مورد نیاز خود را به دست آورند و در این نوع فساد نرخ و اشخاص کاملاً مشخص نیستند. از فساد سازمان یافته می‌توان به دولت هند در سال ۱۹۶۴ اشاره کرد.

علل و عوامل اصلی بروز فساد مالی

عوامل اداری و مدیریت بروز فساد

- پیچیدگی و ناکارآمدی ساختار و قوانین و مقررات و نظام بوروکراسی
- ناکارآمدی نظام نظارت و بازرسی
- ناکارآمدی نظام پرداخت و سایر نظام‌های مدیریت منابع انسانی
- ناکارآمدی نظام انتخاب و انتصاب مدیران
- فقدان نظام‌های مناسب اطلاع‌رسانی خدمات و اقدامات بخش عمومی

عوامل اقتصادی بروز فساد

- میزان مداخله دولت در ارائه خدمات و کالاها
- وجود انحصارهای دولتی و غیردولتی (امکان استفاده از رانت اقتصادی)
- مشکلات اقتصادی کارکنان و کارگزاران حکومت
- میزان رقابتی بودن فعالیت‌های اقتصادی
- ناکارآمدی مقررات مالی و عدم رعایت تشریفات در معاملات دولتی

عوامل سیاسی بروز فساد

- ساختار قدرت در کشور و چگونگی توزیع قدرت سیاسی
- وضعیت مدیریت (ثبات مدیریت) از نظر تغییرات و تحولات سیاسی
- وضعیت فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و میزان توسعه یافتگی آنها

- چگونگی نظارت و اختیارات نظارتی نهادهای مدنی بر نهادهای قدرت و مدیریت‌های اجرایی میزان تأثیر متقابل مسائل و رفتارهای سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی
- درگیر شدن دستگاه قضایی در مسائل سیاسی و جناحی

عوامل فرهنگی و اجتماعی بروز فساد

- سطح اخلاق عمومی و میزان پایبندی به مبانی ارزشی
- شدت تعهدات و علایق قومی، خانوادگی و خویشاوندی
- شدت تعهدات و علایق سازمانی
- سطح وجدان کاری و انضباط اجتماعی
- میزان حساسیت عمومی (جامعه) در زمینه تخلفات و فساد کارگزاران

سایر عوامل مهم مؤثر در بروز فساد مالی

قوانین و مقررات دولتی

مفاسد مالی و اقتصادی با ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین ابزار فساد مالی و اقتصادی، سوءاستفاده از قوانین نامناسب موجود و در مواردی، روشن و شفاف نبودن قوانین و نبود قوانین برای برخی امور می‌باشد که موجب بروز رفتارهای سلیقه‌ای افراد می‌گردد. شفاف نبودن مقررات و یا عدم دسترسی به آنها و اینکه مجوزها را فقط می‌توان از نهاد با افراد خاصی دریافت کرد، قدرت زیادی را برای کارکنان دولت فراهم می‌نماید. این کارکنان می‌توانند با دریافت رشوه، کاغذ بازی قوانین و مقررات مختلفی را که برای اداره اندک جامعه در اختیار دارند، کاهش دهند.

قوانین و مقرراتی که می‌تواند منشأ سوء استفاده و استفاده غیرقانونی واقع شود عبارت‌اند از:

➤ قوانین و مقررات مربوط به امور استثنا شده

مقررات مربوط به صدور مجوزهای خاص، مقررات تعیین محدوده نشده، مؤسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، مقررات مربوط به اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی از جمله این قوانین است. نمونه‌های مختلفی از این قوانین عبارت از: اختصاص مجوز تأسیس به اقشار خاصی از جامعه، واگذاری اختیارات نامحدود (تعیین محدوده نشده) در اختیار برخی والدین و مسئولان، تعیین میزان استفاده از تسهیلات بانکی ردیف‌های مختلف و اعتبارات مربوط به خارج از شمول قانون محاسبات عمومی و سایر قوانین که در اختیار دستگاه‌های اجرایی قرار می‌گیرد.

➤ قوانین و مقررات مربوط به جرایم دولتی

قوانین و مقررات مربوط به جرایم قواعد مثل جرایم مربوط به امور راهنمایی و رانندگی، قوانین ساختمان و شهرسازی، قوانین محیط زیست و واحدهای صنعتی و ... که باید برابر قانون جرایم دقیقاً تعیین و ابلاغ گردد از نمونه این موارد است.

➤ قوانین و مقررات مربوطه به خرید و فروش‌های دولتی

بسیاری از وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی با توجه به ماهیت کار خود و روال طولانی کار گذشته مستقیماً با شرکت‌های خارجی و داخلی قراردادهای هنگفت خرید منعقد می‌کنند و یا به فروش کالاهای اسقاطی و یا مازاد بر نیاز خود و یا واگذاری امور و سهام شرکت‌های دولتی و ... می‌پردازند. خرید کالاهای اساسی در حجم بالا، خرید نیروگاه، پالایشگاه و همین‌طور واگذاری امر خدماتی و فروش اموال و واگذاری سهام شرکت‌ها از جمله این مواردند که مأموران دولتی در انجام خرید و فروش‌ها با انجام تبانی و اخذ پورسانت موجب ارتکاب فساد و سوءاستفاده می‌گردند.

➤ قوانین و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولتی

تشخیص و انتخاب پیمانکاران طرح‌های عمرانی و زیربنایی که در اختیارات کارکنان دولتی است، می‌تواند به گونه‌ای صورت گیرد که به نفع پیمانکار خاصی تمام شود و یا منجر به سوق دادن اعتبارات به سوی بعضی از مناطق خاص گردد. نظارت بر این گونه قراردادهای و تأیید گزارش پیشرفت کار انجام نشده از موارد سوءاستفاده از این گونه قوانین و مقررات است.

➤ قوانین و مقررات مربوط به استخدام‌های دولتی

عدم رعایت دقیق مقررات مربوط به استخدام‌های دولتی و تقلب در برگزاری آزمون‌های استخدامی و نبود کنترل‌های کافی که گاهاً به خرید و فروش مشاغل نیز منجر می‌شود.

➤ قوانین و مقررات مربوط به حقوق و مزایای کارکنان بخش دولتی

عدم دقت و توجه کافی به حقوق و مزایای کارکنان، عدم ارزیابی دقیق و عدم تناسب مزایای دریافتی متناسب با وظایف محول شده موجب سوءاستفاده در اجرای دقیق این مقررات شده و به صورت گروهی یا فردی اقدام به سوءاستفاده می‌گردد. از نمونه بارز این عوامل، اختصاص کمک‌ها و سایر مزایای غیرقانونی را می‌توان نام برد.

➤ قوانین و مقررات مربوط به نحوه ارائه خدمات دولتی

عدم رعایت دقیق قوانین و مقررات مربوط به نحوه ارائه خدمات دولتی مثل امور مربوط به واگذاری حق امتیاز آب، برق، تلفن و غیره و به دلیل نبود کنترل‌های داخلی کافی که موجبات تقلب و سوء استفاده افرادی که در این گونه امور دسترسی دارند می‌شود؛ مثل اخذ رشوه و ارائه بدون نوبت یک امتیاز، واگذاری زیرقیمت معمول و یا ارائه تخفیفات به افراد خاص.

مالیات‌ها و عوارض گمرکی

وجود اختیارات لازم در امور حسابرسی (ممیزی)، تعیین برآورد درآمد، تشخیص میزان مالیات، معافیت‌های مالیاتی، برنامه‌های مربوط به انگیزه‌های مالیاتی، ارز خارجی در خریدهای خارجی، یارانه‌های مربوط به تولیدات و یا خرید مواد اولیه، قیمت‌گذاری کالاهای وارداتی ... از عواملی است که به موجب قوانین جاری در اختیار کارکنان و کارشناسان بخش دولتی قرار داده شده و کنترل‌های داخلی کافی در این امور مبذول نمی‌گردد.

تصمیم‌های دولتی و رفتار مسئولان

تصمیم‌گیری‌های دولتی در ارتباط با نوع مخارج و دولتی، طرح‌های سرمایه‌گذاری، تغییر کاربری اراضی، اعطای تشویق‌ها، نحوه استفاده از مراتع و جنگل‌ها و منابع معدنی، صدور مجوز برای فروش دارایی‌ها، خصوصی‌سازی و انحصارات وارداتی یا صادراتی از جمله عواملی است که تحت لوای قانون، در اختیار و تشخیص مسئولان و مدیران قرار داده شده است و می‌تواند موجبات بروز فساد سطح بالا یا مرتکب اعمال خلاف شوند یا از تخلفات خویشاوندان، دوستان و هواداران سیاسی چشم‌پوشند (که معمولاً هم، چنین است) نمی‌توان از کارکنان دولت انتظار عملکرد درستی داشت.

عرضه کارها و خدمات به صورت یارانه‌ای یا کمتر از قیمت بازار

ارائه کالاها و خدمات و منبع مربوط به ارز، اعتبارات مسکن و برخی کالاهای جیره‌بندی شده، امکانات و تسهیلات آموزشی و ... که بنابر تصمیم‌های مسئولان و بر اساس قوانین و مقررات صورت می‌گیرد، خود موجب بروز فساد مالی می‌شود. برخی از این موارد عبارتند از: افرادی خاص از این موارد اطلاعات کافی دارند و یا با دسترسی به اعتبارات و ارز فعلی فراوان با نرخ کمتر منابع غیرقانونی زیادی به دست آورده‌اند از این موارد است.

سیستم تنبیه و مجازات

قوانین جزایی و کیفری در تمامی کشورها عامل مهمی در تعیین دامنه فساد مالی است و این قوانین برای کاهش مفاسد مالی در نظر گرفته شده است. در بیشتر کشورها میزان مجازات‌های در نظر گرفته شده در مقایسه با حجم کارهای غیرقانونی ملایم‌تر و سبک‌تر هستند که موانع سیاسی، حقوقی و اداری نیز از عوامل مهم این مسائل می‌باشد. از طرفی شاکیان تمایل چندانی به صرف وقت و تلاش برای اجرای دادرسی و تنبیه متهمان ندارند و یا بالعکس در تلاشند تا تنبیه و مجازات سختی برای آنان اعمال شود و از طرف دیگر متهمان در تلاشند تا از این گونه مجازات‌ها و تنبیه‌های لازم فرار کرده و امور مربوطه درک مترین زمان فیصله یابد. بدین منظور موجب فساد مالی فراهم می‌شود. شاکیان با دادن رشوه انتظار اجرای سریع‌تر و متهم با دادن رشوه، انتظار فرار از مجازات را دارد که هر دو موجب مفاسد مالی و گمراه کردن مسئولان امر و یا عدم رعایت دقیق مقررات می‌گردد.

رشوه و رشوه‌خواری

رشوه و رشوه‌خواری یکی از رایج‌ترین و گسترده‌ترین انواع مفاسد مالی و اقتصادی است که نه تنها در داخل کشور بلکه در سطح بین‌المللی نیز به شدت رواج دارد و افزون بر وارد کردن زیان‌های شدید و اقتصاد ملی، اقتصاد و تجارب بین‌المللی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده است. به طوری که در حال حاضر، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی را نیز در معرض خطر جدی قرار داده است. به طوری که در حال حاضر، سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، رشوه را از مهم‌ترین مخاطر و موانع جدی اعتماد و اطمینان بین‌المللی در مبادلات دانسته و در پی مبارزه با آن هستند. آنچه که در این سازمان‌ها به عنوان مبارزه علیه فساد مورد تأکید قرار می‌گیرد، در واقع همان مبارزه با پدیده رشوه‌خواری است و فراوانی انواع دیگر مفاسد مالی و اقتصادی در سطح بین‌المللی بسیار کمتر است (به جز پدیده قاچاق). پرداخت رشوه به طور کلی در دو سطح داخلی و خارجی صورت می‌گیرد.

گرچه این دو نوع رشوه ماهیتاً تفاوتی با هم ندارند لیکن در مورد رشوه‌های خارجی چند نکته قابل ذکر است. در رشوه خارجی بخشی از منافع ملی کشور فنا می‌شود و قسمتی از منافع ملی به خارج جریان می‌یابد. در مورد رشوه‌های خارجی با توجه به شناختی که خارجیان از طرف‌های مقابل خود پیدا می‌کنند، این احتمال وجود دارد که ارتباطی مشکوک (جاسوسی) با افرادی که به رشوه خارجی آلوده شده‌اند و حالا نقطه ضعفی هم نزد آن‌ها دارند، ایجاد شود. همچنین برای کشورهای سلطه‌گر، این امکان وجود دارد که با رشوه‌های هدایت شده و سازمان یافته خود، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امنیت ملی کشور را آسیب‌پذیر سازند.

انحراف کارکنان و مقام‌ها و مسئولان دستگاه‌های اجرایی و اداری، بازتاب مخرب و نامطلوبی بر حیاط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه و افراد آن بر جای می‌گذارد یک کارگزار فاسد، تحت تأثیر روحیه پول دوستی و رشوه‌خواری می‌تواند یک طرح عظیم اقتصادی ملی یا منطقه‌ای را لغو یا برای تشدید و تقویت آن بکوشد و یا نظارت واقعی بر انجام آن را تشدید و تقویت کند. یا نظارت واقعی بر انجام آن صورت ندهد یا کار انجام نشده‌ای را تأیید کند و به این ترتیب تأثیر منفی و مخرب بر امور اقتصادی یا سیاسی جامعه داشته باشد. فرقی ندارد که در برابر بدل مال رشوه، قاضی به حق حکم کند یا به باطل. مالی که برای صدور حکم می‌گیرد رشوه است.

هدیه، مالی است که شخص به اسم هبه و بخشش می‌دهد تا در ضمیر کارگزار نسبت به او محبت و دوستی ایجاد و در نتیجه به نفع او عمل نماید، اعم از آنکه به حق یا باطل باشد. لذا اگر هدف از دادن هدیه هم نهایتاً انجام عملی به نفع فرد باشد (آن هم قبل از انجام عمل) حالت رشوه دارد. به این ترتیب، هدایایی که به مقام‌های دولتی داده می‌شود، حرام و در حکم رشوه است. در بسیاری از مواقع که روابط اجتماعی حالت شخصی و نزدیک دارد شاید مشکل باشد که در برابر انجام یک عمل فسادآمیز مستقیماً پرداختی صورت گیرد. کارمندی که برای سود رساندن به یک فرد آشنا از مقام و موقعیت اداری خود سوء استفاده می‌کند (مانند صدور یک مجوز مهم یا امضاء قرا رداد دولتی یا دادن شغل در دستگاه دولت) ممکن است در مقابل

خدمت خود جبران مستقیم و آشکار و فوری (رشوه آشکار) دریافت نکند و پرداخت، زمانی دیگر و کاملاً بی‌ربط با خدمت انجام شده باشد. در بسیاری از موارد، راشی و مرتشی با درک متقابل از این که لطف امروز، تعهدی برای لطف آینده به وجود می‌آورد، هرگز درباره پرداخت حرفی نمی‌زنند. در بعضی از جوامع، بازار سیاهی برای کمک‌های مختلف به وجود می‌آید که تابع قوانین عرضه و تقاضا و قیمت‌های خاص است. در این بازار، پولی رد و بدل نمی‌شود، بلکه دیونی بین افراد رد و بدل می‌گردد. در اینجا قیمت‌های ناگفته‌ای حاکم است و نوعی نظام آبرو و اعتباری ضامن آن است که الطاف امروز، زمانی در آینده جبران شود. در چنین تفکیک الطاف بدون قصد و غرض از آنچه که نزدیک به گرفتن رشوه است، دشوار می‌باشد. لذا به سختی می‌توان متوجه رشوه شد و متخلفان را مجازات کرد.

رشوه در لغت به معنای وجه یا مالی است که برای ابطال حق و احقاق باطل پرداخت می‌شود، لکن در اصطلاح قانون، قبول وجه یا مالی است که کارکنان دولت و یا سایر کارکنان به سبب انجام وظیفه دریافت می‌کنند.

با توجه به تعریف فوق، هبه، هدیه، تحفه، قرض‌الحسنه مشمول حکم این ماده نمی‌شوند.

حاکمیت شرکتی و فساد مالی

حاکمیت شرکتی، توزیع حقوق و مسئولیت‌ها میان شرکت کنندگان مختلف در یک شرکت مثل هیئت مدیره، مدیران، سهامداران و دیگر ذی‌نفعان را مشخص می‌کند و قوانین و روش‌های تصمیم‌گیری در رابطه با امور شرکت (OECD) را ثبت می‌کند. برای اینکه بفهمیم چگونه حاکمیت پرداخت رشوه تأثیر می‌گذرد و چرا رشوه در مشاغل امری فراگیر است. در این بخش بر سه سوال تمرکز می‌شود:

۱. آیا پرداخت رشوه از دیدگاه شرکت‌ها نسبی است؟
۲. چرا پرداخت رشوه بسیار فراگیر است؟
۳. اگر رشوه نتیجه معکوس دارد، چطور حاکمیت خوب شرکتی می‌تواند در کاهش میزان فساد کمک کند؟

هزینه‌های پنهان رشوه

رشوه می‌تواند در طیف وسیعی از فعالیت‌های شغلی صورت پذیرد که بعضی مقام‌های دولتی به طور اختیاری روی آن اعمال قدرت می‌کنند. برای مثال، شاید شرکت‌ها برای جلوگیری یا کاهش مالیات حفظ قرارداد تدارکات عمومی، دور زدن قوانین و مقررات و منع ورود رقبای بالقوه، به مقام‌های دولتی رشوه دهند. ظاهراً رشوه برای شرکت‌ها مقرون به صرفه است چون پرداخت رشوه اغلب کسر ارزش پولی خدمات ارائه شده توسط مقام‌های فاسد است. وقتی مقام‌های دولتی از قدرت خود برای جریمه شرکت‌هایی که رشوه نمی‌دهند، استفاده می‌کنند، (مثلاً لغو جواز کسب)، پرداخت رشوه قانع کننده‌تر به نظر می‌رسد.

رشوه‌های در ظاهر قابل توجیه، برای مالکان یا سهامداران شرکت‌ها ارزش نهفته دارد که ممکن است نادیده یا حداقل دست کم گرفته شود (مثلاً منافع اقتصادی یا بقاء). اول اینکه رشوه، شرکت‌ها را در معرض خطر حقوقی و مالی قابل توجهی قرار می‌دهد. اگر عمل پرداخت رشوه آشکار شود، شرکت‌هایی که درگیر آن بوده‌اند متحمل اعمال قانون علیه خود خواهند شد. مدیرانی که متهم به پرداخت رشوه هستند اغلب طبق قوانین جنایی مورد پیگرد قانون قرار می‌گیرند، متحمل جریمه و حکم زندان می‌شوند و یا در معرض خطرات مالی قرار می‌گیرند. بعضی وقتها دولت تصمیم به لغو قراردادهایی می‌گیرد که با رشوه بسته شده یا از آن تأثیر گرفته است، پس در پروژه‌های آینده، آن شرکت را در لیست سیاه قرار می‌دهد. در سال ۱۹۹۶ دولت سنگاپور پنج شرکت چند ملیتی (سیمنز، پیرلیف BICC، ماروبنی و تومن) را از مناقصه در هر پروژه دولتی به مدت ۵ سال منع کرد زیرا مشاوران آنها به پرداخت رشوه برای قرارداد ساخت و ساز خدمات شهری، مجرم شناخته شده بودند. برای یک شرکت معتبر، شهرت آن جزء اصلی اعتبار کل بازار است و رشوه، آن را در معرض از دست دادن چنین ارزشی قرار

می‌دهد. چارلی و دیویدان. جی، در یک تحقیق تجربی روی فساد و ارزش بین المللی شرکت‌ها گفته‌اند که میزان فساد، تأثیر منفی روی ارزش سهام یک شرکت می‌گذارد.

دوم، شرکت‌هایی که فساد را با آغوش باز می‌پذیرند، به سختی می‌توانند به پرداخت رشوه در آینده ادامه دهند (رز-آکرسن، ۱۹۹۹)، شرکت‌هایی که به پرداخت رشوه برای انجام کارهایشان معروفند، بیشتر از طرف مقام‌های فاسد برای پرداخت رشوه بالاتر جهت خدماتی که معمولاً برای شرکت‌های دیگر بدون رشوه انجام می‌شود، برای پرداخت رشوه‌های بالاتر، بیشتر مورد تقاضا قرار می‌گیرند.

از دیدگاه مقام‌های فاسد بالقوه، پرداخت رشوه از شرکت‌هایی با این شهرت، «ایمن» محسوب می‌شود و به همین دلیل، سعی می‌کنند میزان تداخل اداری را برای حفظ رشوه از این شرکت‌ها افزایش دهند. در نتیجه شرکت‌هایی که امیدوارند قوانین دولت را کنار بگذارند، در واقع با تداخل اداری زیادی مواجه می‌شوند. دنیل کافمن و شانگ‌ین وی با استفاده از داده‌های شرکت به این نتیجه رسیده‌اند که شرکت‌هایی که رشوه بیشتری پرداخت می‌کنند، نه تنها کمتر بلکه بیشتر با مقررات دست و پاگیر روبه‌رو می‌شوند زیرا مقام‌های فاسد می‌توانند متناسب با شرایط خود و میزان فشار روی شرکت‌ها، مقدار رشوه را به حداکثر برسانند.

شاید مخرب‌ترین پیامد رشوه برای شرکت‌ها این است که سرعت آن کشور در کسب امتیازات رقابتی طولانی مدت، به شدت کاهش می‌یابد. اگر مدیران تشخیص دهند بدون تهیه خدمات و محصولات بهتر می‌توانند از طریق رشوه، برنده رقابت‌های تجاری باشند. به جای تمرکز روی بحث‌های رقابتی شرکت از طریق ابداع‌ها و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری بهتر، خود را با معاشرت مقام‌های دولتی مشغول می‌کنند.

در سال ۱۹۷۷، وقتی دولت آمریکا برای اولین بار قانون اعمال فساد خارجی برای جلوگیری شرکت‌های آمریکایی از رشوه به مقام‌های دولتی خارجی را تصویب کرد، منتقدان پیشنهاد کردند که چنین حرکت یک طرفه‌ای توسط دولت آمریکا، شرکت‌های آمریکا را در معرض ضررهای رقابتی میان بسیاری از بازارهای نوظهور قرار می‌دهد. امروزه، شرکت‌های چند ملیتی که در آمریکا کار می‌کنند در بسیاری از زمینه‌های کاریشان به عنوان رهبران جهانی شناخته شده‌اند. (حساس یگانه، ۱۳۸۵)

با نگاهی به گذشته، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر روی رشوه سخت‌گیری بیشتری می‌شد، شاید شرکت‌های آمریکایی مجبور می‌شدند با نوآوری و تصمیم‌های بهتر در سرمایه‌گذاری، به منظور توسعه طولانی مدت روی مزیت‌های رقابتی تمرکز کنند.

به طور خلاصه، رشوه دارای هزینه‌های نهفته‌ای است که هر دستاورد فوری را کوتاه جلوه می‌دهد بنابراین شرکت‌ها باید از پرداخت رشوه برای منافع مالک یا سهامداران جلوگیری و یا آن را کم کنند.

مسئله «نماینده - مالک» و «فساد مالی»

پیش از هر چیز باید تفاوت میان رشوه فعال و رشوه غیرفعال مشخص شود. رشوه غیرفعال زمانی اتفاق می‌افتد که شرکت احساس کند باید برای پیشگیری از جریمه، رشوه، پرداخت کند. در حالی که در رشوه فعال شرکت‌ها رشوه می‌دهند تا از انجام مسئولیت برای عموم شانه خالی کنند یا تلاش‌های رقبایشان را تضعیف نمایند. این تفاوت بسیار مهم است زیرا در اولی، منع رشوه برای این شرکت‌ها سخت است در حالی که در دومی گزینه‌های قابل دسترسی بسیاری وجود دارد. در اینجا به مورد آخر پرداخته می‌شود.

مسئله مالک-نماینده و یا مسئله نمایندگی در سیستم‌های مدرن شرکتی نشان دهنده این واقعیت است که بسیاری از شرکت‌ها با وجود این امر که رشوه می‌تواند هزینه‌ای سنگین‌تر از سود داشته باشد، درگیر اعمال مفسدانه هستند. مسئله مالک -نماینده زمانی پیش می‌آید که میان کسانی که صاحب شرکت هستند (مالک) و کسانی که آن را اداره می‌کنند (نماینده)

جدایی وجود دارد و منافع نمایندگان مطابق منافع مالکان نیست. برای مثال در حالی که صاحبان (مالکان) بیشتر به افزودن سرمایه بازگشتی‌شان در بلند مدت علاقه‌مندند، مدیران (نماینده‌ها) ممکن است برای منافع شخصی خودشان انگیزه داشته باشند. ساختار انگیزشی برای مدیران و صاحبان متفاوت است و همچنین افق زمانی آنها و رفتارهای ریسک‌پذیری‌شان با هم تفاوت دارد. ارتشاء ممکن است فرصت‌های سودآوری کوتاه مدتی را در اختیار مدیران قرار دهد در حالی که برای صاحبان و سهامداران خطر بالقوه و هزینه آتی به جا می‌گذارد. برای مثال، مدیران ممکن است شانس برنده شدن در یک مناقصه دولتی را با رشوه دادن به مسئولان دولتی برای خود افزایش دهند و این امر ممکن است ارزش شرکت را برای مدت کوتاهی افزایش داده و در نتیجه پاداش مدیران را در حد قابل توجهی افزایش دهد، اما شرکت ممکن است در سال‌های بعد از نظر جزایی به سبب درگیر بودن در ارتشاء مسئول شناخته شود و سهامداران مجبور هستند این خطر را متحمل شوند. توانایی برنده شدن تجارت از راه رشوه همچنین ممکن است کمکی باشد تا یک مدیر بی‌قابلیت موقتاً عدم موفقیت خود در افزایش ارزش شرکت از طریق برنامه‌ریزی متفکرانه و سخت کوشی را ببوشاند و ارتشاء در حقیقت مدیر را قادر می‌سازد بدون رویارویی با عواقب چنین کرداری از وظایف خود شانه خالی کند. (حساس یگانه، ۱۳۸۵)

بعد دیگر مسئله مالک - نماینده از واگرایی علایق و اهداف میان سهامداران داخلی و سهامداران خارج شرکت نشأت می‌گیرد به دلیل تفاوت‌هایی که در میزان کنترل بالاترین مقام مدیر وجود دارد (دسترسی به اطلاعات مالی شرکت و اوراق دارایی‌ها) سهامداران داخلی و سهامداران خارجی ممکن است به گونه‌های متفاوت تحت تأثیر عمل ارتشاء قرار گیرند. برای مثال، سهامداران داخلی بنا بر کنترلی که روی مدیریت دارند، می‌توانند بار مسئولیت پرداخت رشوه را به طور کامل به سهامداران خارجی انتقال دهند. مزیت اطلاعات بیشتر سهامداران داخلی نسبت به سهامداران خارجی به آن‌ها این اجازه را می‌دهد که هر زمان مشکلی در کار باشد سریعاً از شرکت بیرون بیایند. سهامداران داخلی همچنین ممکن است مبالغی از سرمایه را در چندین شرکت تحت اختیار داشته باشند که آن‌ها را قادر می‌سازد هزینه‌ها و منافع عمل ارتشاء را میان مجموعه‌ای از شرکت‌های متفاوت توزیع کند (استراتژی که به ضرر سهامداران خارجی این شرکت‌هاست). مرافعه ناشی از ارتشاء که اقلیت سهامداران شرکت سامسونگ کره جنوبی در سال ۲۰۰۱ علیه رئیس کل و مدیران (بیشتر سهامداران داخلی) بر پا کرده بودند، نمونه‌ای عالی از برخورد میان سهامداران داخلی و سهامداران خارجی بر سر عمل ارتشاء است.

افزون بر این چالش‌های اداره کردن و کنترل بسیاری از شرکت‌های بزرگ امروزی، لایه‌های چندگانه‌ای به مسئله مالک - نماینده می‌افزاید. بسیاری از موارد ارتشاء مدیران رده پایین و کارمندان را به جای مدیر اصلی درگیر می‌کند. حتی چنانچه مدیر اصلی اصول اخلاق حرفه‌ای را نگه دارد، مدیران میانه یا رده پایین ممکن است انگیزه قوی برای بالا بردن عملکردشان با پرداخت رشوه داشته باشند و در نتیجه تصمیم به رشوه دادن می‌تواند توسط مدیران در هر رده‌ای که باشند، گرفته شود بدون اینکه مدیر ارشد از آن مطلع شود. برای مثال، بسیاری از شرکت‌های چند ملیتی شرکت‌های زیر مجموعه‌ای با مالکیت کامل در بسیاری از نواحی و کشورهایی که در آن‌ها فعالیت دارند تأسیس کرده‌اند و برخی از این شرکت‌های تابع، به دلیل خدمات فاسدانه هزینه‌های زیادی در بازار می‌پردازند.

در آخر، عدم تقارن میان مالک‌ها و نماینده‌ها در رابطه با امر ارتشاء حل کردن مسئله ارتشاء مالک - نماینده از طریق نظارت را برای صاحبان و سهامداران مشکل‌تر می‌کند. نماینده‌ها تمایل دارند هرگونه اطلاعاتی را که فکر کنند بازتاب تحقیر کننده‌ای برایشان خواهد داشت، پنهان کند؛ حتی اگر این راه حل به نقض مسئله امنیت یا درگیری در عمل ارتشاء منجر شود. این حقیقت که ارتشاء غیرقانونی است و اغلب سرّی می‌ماند، به مدیران (نماینده‌ها) کمک می‌کند که با مسئول فاسد، در فریفتن صاحبان شرکت‌ها و به همین ترتیب عموم مردم در تبانی باشد. (حساس یگانه، ۱۳۸۵)

بازی هماهنگی و ارتشاء

مدل مالک - نماینده ارتشاء ممکن است برای توضیح عمل شایع ارتشاء که برخاسته از دو وضعیت است قابل استناد نباشد. در وضعیت اول در حالی که توجه تا به حال روی ارتشاء فعال متمرکز بوده است. بسیاری از اعمال ارتشاء توسط

مدیرانی که می‌کوشند از معضلات ناشی از نپرداختن رشوه اجتناب کنند به راه می‌افتد برای مثال، در جامعه‌ای با حد بالای فساد، ترس از پیشی گرفتن رقبا از راه ارتشاء تمامی مؤسسات را به انجام همین عمل به منظور ادامه حیات وادار می‌کند. در وضعیت دوم، در کشورهایی که بیشتر مؤسسات تجاری تحت مالکیت خانوادگی هستند و با مشکل مالک - نماینده هم روبرو نیستند، میزان فساد بسیار بالاست. برای مثال، هایدن خان درستی کاربرد مدل مالک - نماینده، حکمرانی مؤسساتی را در مورد آسیا که در آنجا بیشترین تجارت‌ها خانوادگی اداره می‌شوند، زیر سؤال می‌برد.

برای به تصویر کشیدن انتخاب‌های شرکت‌ها در آن وضعیت‌ها از یک بازی هماهنگی ساده می‌توان استفاده کرد. فرض می‌کنیم دو شرکت برای قرارداد عمومی رقابت می‌کنند و ماتریس بازده شرکت زیر نشان داده شده است. عدد گوشه سمت چپ بالای هر خانه نشان دهنده بازده شرکت A و عدد گوشه سمت راست پایین هرخانه نشان دهنده بازده شرکت B می‌باشد. فرض می‌کنیم شرکت درگیر در ارتشاء می‌تواند به طور ناعادلانه‌ای نسبت به شرکت‌های دیگر که رشوه نپرداخته باشند سود بیشتری به دست آورد. اما این سود با هزینه‌های احتمالی که رشوه خواهد داشت و در بخش قبل بحث شد خنثی می‌شود شرکتی که انتخاب می‌کند رشوه ندهد با فرض اینکه شرکت دیگر پرداخت کند همان طور که به صورت تغییر از ۴ به ۰ نشان داده شده است، متحمل ضرر عمده‌ای می‌شود. زمانی که هر دو شرکت رشوه می‌پردازند (سناریو ۴) هیچ یک از شرکت‌ها سود ناعادلانه بیشتری نسبت به دیگری به دست نمی‌آورد و پاداش قرارداد عمومی با همان احتمال توزیع پیش از ارتشاء تعیین می‌شود، با این تفاوت که مسئول فاسد می‌تواند مبلغ مضاعفی برای خدماتش مطالبه کند، زیرا تقاضا برای آن‌ها بالاتر است این بازی دو حالت دارد: (بدون رشوه، بدون رشوه) و (رشوه، رشوه) در حالی که بهترین استراتژی برای هر یک از شرکت‌ها زمانی که سایر شرکت‌ها رشوه نمی‌دهند این است که رشوه پرداخت نکنند و در وضعیتی که سایر شرکت‌ها رشوه می‌دهند، بهترین استراتژی رشوه دادن است تا از بدترین حالت (سناریوی دوم برای شرکت A و سناریوی سوم برای شرکت B) اجتناب شود.

		شرکت A	
		پرداخت رشوه	نخ رشوه
شرکت B	عدم پرداخت رشوه	سناریوی اول	سناریوی دوم
	پرداخت رشوه	سناریوی سوم	سناریوی چهارم

مفاهیم بازی، ساده هماهنگ، واضح و مسلم است. تصمیم یک شرکت به پرداخت رشوه در این بازی با کاهش نرخ موفقیت شرکت‌ها به دلیل رشوه پرداخت شده و یا بالا رفتن میزان رشوه لازم برای موفقیت و یا هر دوی آن‌ها، برای شرکت، تأثیر منفی دارد. رشوه دادن زمانی بهترین تصمیم برای هر یک از شرکت‌هاست که سایر شرکت‌ها نیز همین کار را انجام دهند. این بهترین استراتژی از دیدگاه شرکت‌ها به تنهایی، به بدترین سناریوی جمعی برای تمامی شرکت‌های درگیر منتج می‌شود. از سوی دیگر، بازی هماهنگی ساده نشان می‌دهد وضعیت تعادل که در آن هیچ شرکتی رشوه نمی‌دهد همچنین برآمد ثابتی دارد. وقتی همه شرکت‌ها یکبار رشوه را متوقف کنند، انگیزه‌ای برای برهم زدن این تعادل وجود ندارد. (رز-آکرمن ۲۰۰۲)

بازی ساده هماهنگی به توضیح اینکه چرا عمل ارتشاء در برخی صنایع نسبت به بقیه گسترده‌تر و متداوم‌تر است، کمک می‌کند. شاخص رشوه‌دهندگان شفاف سازی بین‌المللی میزان بالای ارتکاب عمل ارتشاء در صنایعی همچون کارهای عمومی، دفاع و تسلیحات و نفت و گاز را گزارش می‌دهد. ارتشاء وقتی یک‌بار هنجار می‌شود، استراتژی غالب شرکت‌ها در صنعت خاصی خواهد بود. این موضوع همچنین توضیح می‌دهد که چرا در کشوری با میزان بالای فساد، اجتناب از توازنی که در آن بسیاری از شرکت‌ها درگیر یک فرم و یا فرم دیگری از عمل ارتشاء هستند، بی‌اندازه دشوار است.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله بعد از تعریف حاکمیت شرکتی و فساد، فساد مالی به فسادهای هزینه‌گرا، هزینه‌افزا، در آمد کاه و درآمد افزا دسته بندی شد.

بعد از آن به علل و عوامل بروز فساد مالی پرداخته شد. عواملی چون عوامل اداری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی قوانین ومقررات دولتی، مالیاتها و عوارض گمرکی دولتی و رفتار مسئولان، عرضه کالاها و خدمات یارانه ای، سیستم تنبیه و مجازات و رشوه خواری از مهمترین علل و عوامل اصلی بروز فساد مالی می باشد.

رشوه خواری بعنوان عامل اصلی بروز فساد، شرکت‌ها را در معرض خطر حقوقی و مالی قابل توجهی قرار می‌دهد و البته شرکت‌هایی که فساد را با آغوش باز می‌پذیرند، به سختی می‌توانند به پرداخت رشوه در آینده ادامه دهند.

شاید مخرب‌ترین پیامد رشوه برای شرکت‌ها این است که سرعت آن کشور در کسب امتیازات رقابتی طولانی مدت، به شدت کاهش می‌یابد. بعد دیگر مسئله مالک - نماینده از واگرایی علایق و اهداف میان سهامداران داخلی و سهامداران خارج شرکت نشأت می‌گیرد.

یک برنامه حاکمیت شرکتی مؤثر، یک نوع ابزار قوی ضد فساد و رشوه‌گیری است. شفاف‌سازی و افشا مالی به موقع تأثیر بسزایی بر رشد شبکه بانکی دارد و بر توانایی آن‌ها جهت رقابت با بانک‌های بین‌المللی می‌افزاید.

ما حصل آنکه، اجرای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها، تأثیر چشمگیری در توسعه اقتصادی کشور دارد و حتی اجرای آن در سیستم بانکی بسیار حیاتی‌تر از سایر سازمان‌ها می‌باشد.

منابع و مأخذ

۱. امین آزاد، امیر حسین . (۱۳۹۳). ارزیابی نظام حاکمیت شرکتی . سخنرانی ارائه شده در بیست و چهارمین همایش بانکداری اسلامی ، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران . (۱۳۹۳). اصول بهبود حاکمیت شرکتی کمیته نظارت بانکی بال . ترجمه نرگس احمدی . وب سایت بانک مرکزی ، بخش نظارت بانکی .
۳. بهرامی، مهناز؛ امین آزاد ، امیر حسین (۱۳۸۷) . راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران ، مدیریت کل نظارت بر بانک ها و موسسات اعتباری، اداری و مقررات بانکی.
۴. حساس یگانه ، یحیی . (۱۳۸۵). حاکمیت شرکتی در ایران . فصلنامه حسابرس ، شماره ۳۲ .
۵. حساس یگانه ، یحیی و عالی زاده ، علی . (۱۳۸۹). ارزش شرکت و حاکمیت شرکتی . مجله حسابداری، شماره ۲۲۰.
۶. حسن زاده ، علی و دیگران (۱۳۹۳) . حاکمیت شرکتی و ارتقای سلامت مالی . انتشارات گپ.
۷. خوانساری ، رسول . (۱۳۸۹). حاکمیت شرکتی در مؤسسات مالی اسلامی . فصلنامه تازه های اقتصاد، شماره ۱۲۸ .
۸. داوری ، مجیدرضا. (۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی در بانک ها و نقش بانک مرکزی در اجرای آن .
۹. روشندل ، محمد. (۱۳۸۷). گروه مجوزهای بانکی اداره مطالعات و مقررات بانک مرکزی . وب سایت بانک مرکزی ، بخش نظارت بانکی.
۱۰. رهبری خرازی ، مهسا. (۱۳۸۵). اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه . نشر شرکت اطلاع رسانی بورس.
۱۱. سیف ، ولی اله . (۱۳۹۰). حاکمیت شرکتی و نظارت بر بانک ها: غفلت از حاکمیت شرکتی در ایران . مقاله ارائه شده در بیست و دومین همایش بانکداری اسلامی ، مؤسسه عالی بانکداری ایران .
12. Anderson, D.W. and Melanson, S.J and Maly, J. (2007). The Evaluation of Corporate Governance: Power Redistribution Brings Boards to Life. *Journal of Corporate Governance*.
13. Beate, R. Ritz .(1984-1994). Parkinson's Disease Mortality and Pesticide Exposure in California. Department of Health and Mental Hygiene, Bureau of Environmental Disease Prevention, New York, USA.
14. Blanchard, K.H and Peale N.V .(1988). *The Power of Ethical Management*. Morrow, NewYork.
15. Boatright, J. R. (1999). *Ethics in Finance*. Blackwell, Oxford.
16. Breandle, C. and Noll, j. (2005). On the Convergence of National Corporate Governance System. From: www.ssrn.com
17. Bushman, R.M and Smith, A.J, (2003). Transparency, Financial Accounting Information, and Corporate Governance. *Economic Policy*.
18. Cadbury .(2002). Report and Code in December 1992. N.J: Prentice Hall [ISBN 0-13- 34150-3]; Cadbury, Adrian Corporate.
19. Cadbury and Adrian .(2002). Report of the Committee on the Financial
20. Gillan, S. L. and Starks, L. (2003). *Corporate Governance Corporate*